

[**احکام قبله** 1](#_Toc501804983)

[**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)** 1](#_Toc501804984)

[**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)** 1](#_Toc501804985)

[***کلام مرحوم خویی و نائینی*** 1](#_Toc501804986)

[**مناقشه** 2](#_Toc501804987)

[***مرحوم بروجردی*** 3](#_Toc501804988)

[**قبله بودن ربع دائره** 3](#_Toc501804989)

[**تفسیر مرادِ قائلین به قبله بودن جهت کعبه** 4](#_Toc501804990)

[**شواهد قبله بودن ربع الأرض** 5](#_Toc501804991)

[**شاهد أول** 5](#_Toc501804992)

[**شاهد دوم** 5](#_Toc501804993)

**موضوع**: محدوده مکان قبله /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

**ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)**

**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)**

**بحث راجع به این بود که:** آیا قبله برای بعید عین الکعبه است یا جهت کعبه است؟:

***کلام مرحوم خویی و نائینی***

**مرحوم خویی فرمود**:

همان طور که استاد ما مرحوم نائینی فرموده است، قبله کعبه است ولی چون از کعبه دور هستیم، به اندازه یک هفتم دائرة الرأس، که 52 درجه می شود، حق جولان داریم: سر ما حالت کرویت دارد و 28 انگشت است که چهار انگشت جلوی پیشانی (ما بین الحاجبین) یک هفتم می شود؛ استقبال کعبه (یا استقبال هر شی ای) به این است که از هر کجای چهار انگشت جلوی پیشانی یک خطی به کعبه کشیده شود؛ یعنی به اندازه 52 درجه حق نوسان داریم و چه 26 درجه از کعبه متمایل به سمت چپ باشیم یا متمایل به سمت راست باشیم اشکالی ندارد.

**ما عرض کردیم:**

هر چند مرحوم خویی از مرحوم نائینی این گونه نقل کرده است ولی کلامی که در تقریرات ایشان می باشد کمی اختلاف دارد ولی أصل حرف شبیه مطلبی است که مرحوم خویی بیان کرده است؛

**در تقریرات مرحوم نائینی ذکر شده است که**:

کل دائرة الرأس 30 انگشت است و چهار انگشت از سی انگشت، یک هشتم می شود (البته دقیق آن هفت و نیم می شود). بعد فرموده است برای صدق استقبال قبله لازم نیست که حتماً خطی مستقیم از وسط جبهه به کعبه برسد بلکه اگر از گوشه سمت راست یا گوشه سمت چپ جبهه پیشانی، یک خط مستقیم به کعبه برسد کافی است.

(البته مرحوم نائینی می فرماید چون زمین کروی است ممکن است این خط مستقیم به کعبه نخورد بلکه به خط عمودی بر کعبه که تا عنان السماء ادامه دارد برخورد کند. و شاید وجه این که مشهور گفته اند قبله جهت کعبه است به لحاظ این خط عمودی گفته اند؛ چرا که زمین کروی است و خط مستقیم به کعبه برخورد نمی کند بلکه به خط عمودی بالای کعبه بر خورد می کند.)

**مناقشه**

**أولاً:** انصافاً این مطلب عرفی نیست؛

استقبال به یک شیء، به این معنا است که مقادیم بدن به سمت آن شیء باشد و استقبال وجه به تنهایی کافی نیست چه برسد به استقبال خصوص پیشانی، بله اگر استقبال به وجه، عنوان مشیر به استقبال با مقادیم بدن باشد اشکالی ندارد. البته ما نمی گوییم که پاهای بدن نیز باید مقابل کعبه باشد بلکه می گوییم باید مقادیم بدن به نحو عرفی رو به کعبه باشد.

**ثانیاً:** ما نفهمیدیم که چرا بحث دائره کبری را مطرح می کنند و می گویند «کل ما بعُد الانسان عن مکه کبرت الدائرة الکبری»؛ ما کاری به سبع دایره نداریم و خود شما فرمودید که باید خطی از وسط چهار انگشت پیشانی یا طرف راست آن یا طرف چپ آن به خود کعبه برخورد کند و این حکم ربطی به این ندارد که دایره کبری، بزرگ باشد یا کوچک باشد؛ مهم این است که خطی از وسط چهار انگشت یا طرف چپ یا طرف راست آن، به کعبه برخورد کند و البته خطی که از دو گوشه خارج می شود با خطی که از وسط خارج می شود موازی همدیگر نیستند بلکه این خط ها چون عمود بر دایره صغری است، هرچه به سمت کعبه می روند فاصله بین دو خط هم زیادتر می شود.

و اگر وجه مطرح کردن دایره کبری این است که خطی از این چهار انگشت به گوشه سبع دایره کبری برخورد کند؛ در این صورت قبله خیلی وسعت پیدا می کند و أصلاً قابل قبول نیست.

عمده اشکال به مرحوم نائینی و مرحوم خویی این است که استقبال انسان با یک شیء به این نیست که گوشه پیشانی متوجه آن شیء باشد بلکه باید معظم مقادیم بدن روبروی آن شیء باشد.

**و جالب است که مرحوم حکیم در مستمسک از مرحوم نائینی نقل می کند (**مرحوم نائینی استاد مرحوم حکیم بوده اند و در اینجا مرحوم حکیم از ایشان تعبیر بعض مشایخنا می کند و اسم ایشان را ذکر نمی کنند و وقتی استادشان زنده بود از «دامت تأییده» استفاده می کردند و اینجا هم «دامت تأییده» را آورده اند**) که در درس خود این گونه گفته اند؛**

قوس جبهه یک پنجم دائرة الرأس است یعنی 72 درجه و تا این مقدار قدرت نوسان داریم ولی وقتی نصف می کند می گوید تقریباً تا 30 درجه اختلاف اشکال ندارد (در حالی که نصف 36 درجه می شود)؛ گویا ایشان تنها ما بین الحاجبین را حساب نکرده است بلک خود حاجبین را نیز حساب کرده است که تقریباً یک پنجم می شود.

**این مطلب واقعاً عجیب است**؛ آیا عرف در استقبال این مقدار تسامح می کند؟! اگر فاصله ما با کعبه زیاد باشد و بدانیم که قبله کدام طرف است دراینجا آیا استقبال به مقدار یک پنجم صادق است؟

این که بزرگان ما این مطالب را فرموده اند، معلوم می شود که مطلبی در ذهنشان بوده است و باید آن مطلب را به دست بیاوریم.

***مرحوم بروجردی***

**برای این که این مطلب را بیشتر بررسی کنیم، دیدیم که مرحوم بروجردی در کتاب الصلاة مطلبی عجیب تر فرموده اند؛**

**قبله بودن ربع دائره**

**ایشان فرموده اند:** اگر کسی عمداً هم تا ثمن دائره (یعنی 45 درجه) از قبله منحرف باشد اشکالی ندارد.

**ایشان برای تأیید این مطلب فرموده اند**:

این که در کلمات علماء مطرح شده است که: «کلما ازداد شیئا بعداً ازداد محاذاة» این حرف اساس ندارد زیرا اگر کنار دیوار کعبه هم بایستی می توانی به سمت چپ یا راست منحرف شوی زیرا گوشه کعبه روبروی تو قرار می گیرد و لازم نیست حتماً روبروی وسط کعبه قرار بگیریم، ولی اگر از کعبه دور شوی و بخواهی به همین مقدار زوایه بگیری خطی که از تو خارج می شود به هیچ وجه به کعبه برخورد نمی کند بلکه فرسنگ ها دور از کعبه قرار می گیرد.

**و لذا وجه قول ما این مطلب نیست بلکه وجه این قول این است که:**

استقبال قبله نسبت به کسی که نزدیک کعبه و در مسجدالحرام است به این است که خطی مستقیم از وسط وجه او به سمت مستقبل إلیه برخورد کند. و معیار استقبال شیء، وجه است و وجه را من الأذن إلی الأذن نمی گیریم که یک دوم شود بلکه وجه را روبرو می گیریم که یک چهارم دائرة الرأس است (در مقابل پشت سر و سمت راست سر و سمت چپ سر).

حال اگر از مکه دور شویم و به مدینه، ایران و عراق برویم؛ اینجا لازم نیست که خطی مستقیم از وسط وجه به کعبه برخورد کند تا استقبال صدق کند؛ زیرا مستلزم عسر شدید است و خلاف سیره أئمه است که وقتی وارد شهر ها می شدند تدقیق نمی کردند و مسلمین نیز این گونه تدقیق نمی کردند؛ و لذا این مطلب قرینه می شود که برای افراد بعید، همین کافی است که خطی از گوشه وجه به کعبه کشیده شود و خط مستقیم لازم نیست؛ (همانی که مرحوم نائینی چهار انگشت کرد، مرحوم بروجردی هفت انگشت در نظر گرفته است یعنی یک چهارم دائرة الرأس.)

**تفسیر مرادِ قائلین به قبله بودن جهت کعبه**

**بعد ایشان فرموده است:**

مراد محقق از این که قبله، جهت کعبه است همین است؛ و مراد ایشان از جهت، جهت جنوب است؛ ما به فوق و تحت کاری نداریم و چهار جهت مشرق و مغرب و شمال و جنوب باقی می ماند که هر کدام ربع الأرض را تشکیل می دهند و کعبه برای مثل ایران در جهت جنوب واقع شده است، لذا باید وجه ما به سمت جنوب باشد به گونه ای که بشود خطی مستقیم از وجه ولو گوشه آن، به کعبه برخورد کند زیرا استقبال به معنای مواجهه ربع رأس ما با ربعی که جهت کعبه است، می باشد. نتیجه این که ما به اندازه ربع الدائره 90 درجه، قدرت نوسان داریم؛ اگر قبله وسط جنوب باشد می توانیم 45 درجه به سمت راست متمایل شویم که خطی از گوشه سمت چپ به کعبه برخورد می کند و یا 45 درجه به سمت چپ متمایل شویم که خطی از گوشه سمت راست به کعبه برخورد کند و در مجموع در جهت جنوب که 90 درجه است قدرت نوسان داریم. (مرحوم خویی فرمودند تا 52 درجه قدرت نوسان داریم).

ایشان صریحاً فرموده اند: القول باتساع القبله بمقدار الثمن للبعید لاینافی آیة أو روایة- فیجوز الانحراف عن القبله لو کان فی مسجد المصلی عمداً، یمیناً و شمالاً إلی حدّ یقع الخط القبلة فی أحد جانبی الجبهه

وجه به اندازه ربع دائره الرأس شد و وسط این دائره کعبه است و شما می توانید در این 90 درجه نوسان دهید.

**شواهد قبله بودن ربع الأرض**

**بعد ایشان فرموده اند: شواهدی بر این مطلب داریم؛**

**شاهد أول**

در روایات می گویند جاهل به قبله به چهار سمت نماز بخواند؛ (هر چند روایت ضعیف است ولی مشهور به آن فتوا داده اند و ایشان هم پذیرفته است)

و این که این حکم، تعبّدی باشد خلاف ظاهر است و ظاهر روایت این است که شرطیّت قبله در حال جهل به قبله هم باقی است و به همین خاطر می گوید باید احتیاط کنید و به چهار سمت نماز بخوانید تا یقین کنید به جهت جنوب نماز خوانده اید.

**و این که صاحب جواهر فرموده است:** وقتی به چهار سمت نماز می خواند یا رو به قبله نماز خوانده است و یا انحراف ما بین الیمین و الشمال است که روایت داریم که در حال جهل این مقدار انحراف، مضرّ نیست.

صحیح نیست زیرا؛ معنای حرف صاحب جواهر این است که اگر به سه طرف نماز بخوانیم کافی است زیرا یا نماز رو به قبله واقع می شود و یا انحراف از قبله کمتر از نود درجه است. و قطعاً هم همین جور است؛ هر طرف 120 درجه می شود که یا خود قبله است و یا فاصله اش با قبله از نود درجه کمتر است زیرا فرض این است که سه طرف نماز می خوانیم.

در حالی که در روایت گفته است به چهار طرف نماز بخوانید؛ لذا معلوم می شود که علت خواندن نماز به چهار سمت این است که ما به سمت قبله یعنی سمت جنوب نماز بخوانیم و شارع از شرطیّت قبله رفع ید نکرده است.

فرق عالم و جاهل تنها در این است که: عالم تنها به سمت جنوب نماز می خواند و جاهل به چهار سمت نماز می خواند تا یقین کند که به سمت جنوب نماز خوانده است.

**شاهد دوم**

روایاتی داریم که مفادش این است که «ما بین المشرق و المغرب قبلة» و مشهور این روایت را این گونه معنا می کنند که: وقتی روبروی کعبه می ایستید طرف راست شما مغرب و طرف چپ شما مشرق است و ما بین این دو، ما بین المشرق و المغرب اعتدالی است که کمتر از نود درجه انحراف از قبله دارد؛ در حال عذر، جهل و نسیان نماز اگر ما بین المشرق و المغرب باشد مثلاً 85 درجه از کعبه انحراف داشته باشد باز نماز صحیح است و اگر وسط نماز هم بودی به سمت کعبه می چرخی و لازم نیست نماز را اعاده کنی، که روایت هم بر این مطلب هم داریم.

**مرحوم بروجردی فرموده است**: اگر اطلاق روایت را أخذ کنیم اختصاص به جاهل و ناسی ندارد و شامل عامد هم می شود؛ لذا معنای روایت با توجه به این اطلاق این می شود که اگر انحراف به 90 درجه نرسد نماز صحیح باشد و بتوانیم تا 90 درجه ولو عمداً از قبله انحراف داشته باشیم یعنی به جای ربع الدائره بگوییم نصف الدائره قبله است در حالی که کسی قائل به این مطلب نمی شود و مشهور هم به همین خاطر روایت را مختص ناسی و جاهل کرده اند. ولی ما معنایی می کنیم که اطلاق آن شامل عامد هم می شود:

روز أول زمستان مشرق شمس، جنوبی ترین مشرق در طول سال است و مغرب شمس هم جنوبی ترین مغرب سال است. بر خلاف اول تابستان که مشرق شمس و مغرب شمس، شمالی ترین مشرق و مغرب سال اند. و اگر فاصله میان آخرین نقطه جنوبی مشرق الشمس و آخرین نقطه جنوبی مغرب الشمس را حساب کنیم تقریباً ربع الأرض می شود، و مراد از «ما بین المشرق و المغرب» که در روایت آمده است همین فاصله است.

**واقعاً عجیب است؛** زیرا فاصله بین جنوبی ترین مشرق و جنوبی ترین مغرب در مناطق ما، 132 درجه است و نمی دانیم ایشان چگونه حساب کرده است!

علاوه بر این که قرینه ای نداریم که بگوییم مراد روایت این معنا است. چرا مراد روایت را شمالی ترین مشرق و مغرب نگیریم؟ این ها عرفی نیست؛ موثقه عمار صریحاً گفته است اگر وسط نماز متوجه شوی که رو به قبله نیستی اگر ما بین المشرق و المغرب بودی به طرف قبله منحرف می شوی ولی اگر بیشتر از این مقدار بود نماز را اعاده کن؛ معنای عرفی روایت این است که اگر کمتر از نود درجه از قبله انحراف داشتی اشکال ندارد.

بقیه شواهد ایشان را در جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.